

در پرتو حمایت قانون و حصارى که بر احترام حق واصل
صیانت اشخاص از تعدی مدعیان کشیده شده محفوظ مانده
مشکلات و مدافع آئین دادرسی مدنی مخصوصاً در اقامه
دلیل او را برای همیشه از گرفتن حق خویش محروم سازد
و حال آنکه برخلاف آئین دادرسی جزائی بقاضی حق
داده بوسائل ممکنه موجبات حصول قطع و یقین خویش
را در گهکاری متهم و صیانت حق زیان دیده از جرم
فراهم کند.

بحث در این موضوع و تشخیص صلاحیت هر يك
از دو دادگاه حقوق و جزاء و آئین دادرسی مخصوصه
بآن بنوبه خود دارای اهمیت فراوانی است که باید در
جای علیحده مورد توجه قرار گیرد.

دکتر ع. اخوی

افراد از تعقیب گنهکار رسیدن حق خود میباشد از این
جبهه قوانین حقوقی کاملاً کافی بوده و این دسته اشخاص
میتوانند از نظر حقوقی اقدام و حق شخصی و زیان حاصله
از عمل متهم را مطالبه کنند.

در این صورت بدیهی است چون حفظ و صیانت
حقوق خصوصى در پیش است البته طبق قوانین مدنی مرور
زمان بر علیه آنها جاری نخواهد بود تنها نکته که در
این قسمت شایسته دقت است همانا طرز تعقیب و چگونگی
آئین دادرسی است چه اگر مقررات حقوقی را در استیفاء
حق این اشخاص لازم الاجرا بدانیم در این صورت از
تسهیلات و وسائل بیشماری که قانونگذار در کشف
گناه و حفظ حقوق طرف جرم در دسترس قوه قضائیه و
مجریه گذارده محروم و چه بسا ممکن است شخص متعدی

امارات قضائی

شخص دوم رکن مجهول آن می باشد. اماره ذاتاً دلیل نیست
بلکه نتیجه آن که از استنباط حاصل میشود دلیل می باشد.
اماره بر دو قسم است اماره قضائی و اماره
قانونی راجع باماره قضائی ماده ۱۳۵۳ (۱) قانون مدنی
بلیزیک میگوید: اماراتی که قانون آنرا بر امری دلیل
قرار نداده اماراتی است که تشخیص میزان ارزش آن بفهم و
احاطه دادرس محول گردیده ولی دادرس باید امارات قوی
Grave و معین précise و متوافق و متماسك Concordante

۱-Art. 1353.- Les présomptions qui ne sont point établies
par la loi sont abandonnées aux lumières et à la prudence
du magistrat, qui ne doit admettre que des présomptions
graves, précises et concordantes et dans les cas seulement
où la loi admet les preuves testimoniales, à moins que
l'acte ne soit attaqué pour cause de fraude ou de dol.

اماره در لغت بمعنی نشانه و علامت میباشد و بموجب
ماده ۷ قانون شهادات و امارات مصوب تیر ماه ۱۳۰۸ عبارت
از اوضاع و احوالی است که نوعاً صحت اظهارات یکی
از طرفین را میرساند ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی نیز میگوید:
اماره عبارت از اوضاع و احوالی است که بحکم قانون
یا در نظر قاضی بر امری دلیل ساخته میشود. اماره
دارای دو رکن می باشد رکن معلوم و رکن مجهول
مثلاً هر گاه کسی در ملکى مدت ۲۰ سال متوالی تصرف
مستقر داشته باشد این تصرف مستمر اماره مالکیت او
می باشد و همچنین بودن سند دین در دست مدیون اماره
ایست باینکه دین خود را پرداخته و برائت ذمه حاصل
نموده است در مثال اول تصرف و در مثال دوم بودن سند دست
مدیون جزء معلوم اماره و مالکیت شخص اول و برائت ذمه

البته قوه شهادت باندازه قوه سند کتبی نیست چه بسا ممکن است شاهد خطا یا اشتباه نموده باشد یا حقیقت امر را فراموش کرده باشد یا در نتیجه ترس یا عداوت گواهی داده باشد و بنابراین گواهی گواه غالباً حاکی از حقیقت امر نیست همین ترتیب در اماره نیز جاری است زیرا اماره وسیله ایست برای یافتن مجهول از معلوم و بسا ممکنست دادرس در استنباط اشتباه کند پس هیچ یک از شهادت و اماره بقدر سند کتبی دارای قوه اثبات نمیباشد چه سند کتبی خطا نمیکند ترس و عداوتی هم ندارد و چون قوه اماره محدود می باشد دعاوی که باستناد آن قابل اثبات است نیز قانوناً محدود شده است در غیر این صورت باب دعاوی بی اساس مفتوح و عواقب وخیمی از قبیل اضرار بغیر و اتلاف وقت مراجع قضائی بر آن مترتب میگردد زیرا لزوم تنظیم سند بین متعاقدین باب بسیاری از دعاوی را مسدود نموده است مواردی که دعوی با شهادت گواه قابل اثبات می باشد بشرح زیر است:

۱. عقود و ایقاعات و تعهداتی که موضوع آن بانصد ریال یا کمتر باشد پس هر گاه زاید بر این مبلغ باشد خواهان باستناد شهادت یا اماره نمیتواند طرح دعوی نماید و برای چنین دعاوی سند کتبی لازم است زیرا سند کتبی است که کمتر خطای کند و از شواهد باره احساسات از قبیل ترس و محبت و عداوت و غیره نیز مشعر می باشد.

۲. هر گاه خواهان سند کتبی داشته باشد و مفاد آن تا اندازه مثبت دعوی هم باشد میتواند برای تکمیل دلیل بشهادت شهود نیز استناد کند اگر چه مبلغ خواسته زاید بر بانصد ریال باشد و این در موردیست که دعوی با سند کتبی نزدیک بشبوت باشد و دادگاه از راه احتیاط و برای یعنی رفع تردید شهادت گواه را استماع کند و در غیر این صورت هر گاه سند کتبی مثبت دعوی نباشد و تنها ارتباط ساد؛

را بپذیرد آنهم تنها در مواردیکه دعوی بشهادت شهود قابل اثبات باشد مگر اینکه امر مورد دعوی از تدلیس Fraude یا غش dol ناشی شده باشد امارات قضائی امارات موضوعی présomptions de fait و امارات شخصی présomptions de l' homme و امارات بسیط présomptions simples نیز نامیده میشود.

امارات نامبرده اماراتی است که از کیفیات مختصه هر دعوی تولید و دادرس باجتهاد خود ارزش آنها را معین میکند حصرر تحدید امارات قضائی ممکن نیست زیرا بطوریکه گفتیم این امارات از اوضاع و احوال و کیفیات خاصه دعاوی تولید میشود پس در هر دعوی ممکن است یک یا چند اماره وجود داشته باشد و چون دعاوی نامحصور است پس امارات نیز نامحصور خواهد بود برعکس امارات قانونی که محدود و محصور می باشد.

برای اینکه اماره قابل استناد باشد شرط اساسی زیر لازم است:

۱- اماره باید قوی باشد یعنی احتمال بصحت استدلال بآن قوی باشد.

۲- اماره باید معین باشد یعنی نسبت با امری که اثبات آن مطلوب می باشد ارتباط صریح و معین و اتصال مؤثر داشته باشد.

۳- امارات در صورت تعدد نسبت به دیگری باید تماسک داشته باشند و مخالف و ناقض همدیگر نباشند.

۴- شرط چهارم که مهمترین شرط می باشد اینکه دعوی بشهادت شهود قابل اثبات باشد پس در عقود و ایقاعات و تعهداتی که خواسته آن متجاوز از بانصد ریال باشد دادرس نمیتواند تنها باستناد اماره حکم دهد اگر چه اماره قوی هم باشد. اماره از حیث قوت در نظر قانون مثل شهادت می باشد و از این جهت در صورتیکه مستند دعوی تنها اماره باشد در موقعی پذیرفتن آن را اجازه داده که دعوی با شهادت شهود قابل اثبات باشد

با آن داشته باشد استناد بگواه و اماره بعنوان تکمیل دلیل جایز نخواهد بود زیرا از پذیرفتن چنین دعاوی بطوری که در بالا مذکور شد مضار و مفاسدی از قبیل تراکم دعاوی و اضرار بغير و اتلاف وقت و غيره تولید خواهد گردید و بنا بر این قبل از پذیرفتن شهود و امارات لازم است در مفاد سند کتبی و تشخیص قوه اثبات آن دقت و اهتمام لازم بعمل آید.

۳- در صورتیکه در موقع تعهد اخذ سند کتبی مقدور نبوده که در این مورد نیز استناد بگواهی و اماره جائز است اگر چه قیمت خواسته از پانصد ریال متجاوز باشد برای عدم امکان تحصیل سند موارد بسیاری پیدا میشود مثل اینکه بعلت حوادث غیر عادی از قبیل حریق و زلزله و غيره تحصیل آن نامقدور باشد و یا وقوع مضاربه بین متعاقدين یا خرابی خانه یا تصادم دو قطار یا هر نوع حادثه دیگر مانع از انجام امر و اخذ سند گردد و همچنین در مواردی که عادتاً سند کتبی گرفته نمیشود مثل تودیع اموالی که اشخاص در کاروانسرا و مهمانخانه و قهوه خانه و حمام و غيره می نمایند بعقیده بعضی از محققین همین قاعده در مواردی نیز جاری است که حسب و حیا و جهات اخلاقی مانع از اخذ سند شده باشد. در تمام موارد فوق خواهان میتواند برای اثبات دعوی خود به شهادت شهود یا امارات استناد نماید البته در قوانین خارجه موارد دیگری نیز برای جواز استناد بشهادت و اماره ذکر شده ولی چون در قوانین ایران اسمی از آنها نیست ما هم فعلاً از این قسمت صرف نظر میکنیم.

حدود عمل دادگاه برای تحقیق اماره

آیا برای تحقیق و تکوین اماره دادگاه می تواند بیرونده های دیگر که برای دعاوی دیگر تشکیل شده رجوع نماید یا اینکه از حدود دعوی مطروح نمی تواند خارج شود و تنها در همان بیرونده دعوی مطرح شده می تواند اماراتی را جستجو و تکوین کند؟ چون

اماره از اموری است که برای تکوین عقیده لزوم دارد و دادرس بهیچ وجه ملزم نیست که موجبات تکوین عقیده خود را با اوراق بیرونده مطروح انحصار دهد بنابراین در مواردی که دایره این دعوی تنگ باشد و قطع و فصل آن وجدانا بدون اجرای تحقیقات خارجی مقدور نباشد می تواند از اوراق دعاوی دیگر که با دعوی فعلی ارتباط دارد استفاده نماید و این امر هیچ مخالفتی با قانون ندارد زیرا قانونگذار پس از آنکه بدادرس بر سبیل نصیحت دستور هائی داده (ماده ۷ قانون شهادت و امارات) در طریق تکوین اماره او را آزاد گذارده و از اینجهت در صورت اقتضا می تواند بیرونده های مختوم رجوع کند حتی در صورتیکه متداعین فعلی در آن بیرونده هاء داخله هم نداشته اند و نیز می تواند در اسناد دیگری که اصحاب این دعوی در تنظیم آن شرکت نکرده اند اطلاعات خود را تکمیل نماید و مفاد قاعده معروف رومی که «عقد تنها نسبت بطرفین و قائم مقام آنان مؤثر می باشد و در حق اشخاص دیگر نفع و ضرری ندارد» و ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران و ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه روی این قاعده بنا شده در این مورد جاری نخواهد بود زیرا غرض از استفاده از اسناد در این مورد این نیست که مفاد آن در حق اغیار تأثیر داشته باشد بلکه منظور از آن اثبات عقدی است علیحده و همچنین می تواند از اوراق بازجوئی که در اثر داشتن معایب شکلی ابطال شده رجوع کند ولی باید در رأی خود تصریح نماید که رجوع با اوراق نامبرده فقط برای مزید اطلاعات بوده است آیا دادرس بر رجوع بیرونده های دیگر برای تکوین اماره ملزم است و عدم رجوع موجب مسئولیت او خواهد بود؛ البته پاسخ این پرسش منفی است زیرا تکوین خود اماره و یا ارکان آن بنظر خود دادرس موکول شده و از این جهت اقدام و عدم اقدام و یا انتخاب طریق اقدام نیز بسته بنظر او خواهد بود.